



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تأثیر برنامه‌ریزی درسی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان

محمد مهدی اخوان^۱

۱- دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

akavanm@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر باهدف تأثیر برنامه‌ریزی درسی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. برنامه‌ریزی درسی یکی از عوامل اساسی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است و تأثیرات بسیار زیادی بر عملکرد و پیشرفت آن‌ها دارد. این مقاله به بررسی تأثیرات مهم برنامه‌ریزی درسی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازد. از جمله تأثیرات مهم این برنامه‌ریزی عبارت‌اند از انطباق با نیازهای دانش‌آموزان، تعامل فعال دانش‌آموزان، افزایش تمرکز و توجه، ارزیابی منظم و انگیزه و اعتماد به نفس. برنامه‌ریزی درسی مناسب با فراهم کردن شرایط مناسب برای یادگیری و ارائه چالش‌های مناسب، می‌تواند بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تسهیل کند و نقش حیاتی در فرآیند یادگیری آن‌ها داشته باشد. این مقاله به اهمیت و تأثیرات مثبت برنامه‌ریزی درسی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته و نقش آن را در بهبود عملکرد و عملکرد تحصیلی آن‌ها برجسته می‌کند. در نتیجه، برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شناخته می‌شود. با توجه به اهمیت تأثیرات مثبت آن بر عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان، لازم است مدارس و معلمان به‌طور جدی به برنامه‌ریزی درسی توجه کنند و برنامه‌های مناسب و اثربخشی را برای ارتقاء سطح تحصیلی دانش‌آموزان اجرا کنند. از طرفی، دانش‌آموزان نیز باید به این نکته توجه کنند که مشارکت فعال در فرآیند برنامه‌ریزی درسی و پیروی از راهکارهای ارائه‌شده توسط معلمان می‌تواند به بهبود عملکرد و پیشرفت تحصیلی آن‌ها کمک کند. در نهایت، اهمیت برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای بهبود کیفیت آموزش و یادگیری و تسهیل رشد و پیشرفت دانش‌آموزان لازم است و نباید از آن غفلت شود.

کلمات کلیدی: برنامه‌ریزی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان، مدرسه، معلم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و حیاتی در حوزه آموزش و پرورش شناخته شده است. این مفهوم، به طراحی و تدوین برنامه‌ها، فعالیت‌ها و فرآیندهای آموزشی به‌منظور ارتقاء کیفیت و کارایی آموزش و یادگیری اشاره دارد. برنامه‌ریزی درسی نقش بسیار مهمی در بهبود عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایفا می‌کند و به‌عنوان یک ابزار اساسی برای تسهیل فرآیند آموزش و یادگیری در مدارس محسوب می‌شود. در حال حاضر، با پیشرفت فناوری و تغییرات روبه‌رو در جوامع مختلف، نیاز به برنامه‌ریزی درسی منطبق با نیازها و انتظارات جامعه بیش‌ازپیش احساس می‌شود. بنابراین، تأثیرات مثبت برنامه‌ریزی درسی بر عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان، موجب شده است که مدارس و معلمان به‌شدت به این مسئله توجه کنند و برنامه‌های آموزشی مناسب و اثربخش را برای بهبود سطح تحصیلی دانش‌آموزان طراحی و اجرا کنند. در این مقاله، به بررسی اهمیت برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک عامل کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری پرداخته خواهد شد. سپس، راهکارها و استراتژی‌های مناسب برای اجرای برنامه‌ریزی درسی به‌منظور ارتقاء عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. درنهایت، نکات مهم و توصیه‌های کلیدی برای دانش‌آموزان و معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی درسی و اجرای آن مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. برنامه‌ریزی و استفاده بهینه از فرصت‌ها موضوع بسیار مهم است. این موضوع برای دانشجویان و دانش‌پژوهان و دانش‌آموزان جوان بسیار ارزشمند است. برنامه‌ریزی از جمله واژگان سهل و ممتنع است زیرا ظاهری ساده و باطنی پیچیده دارد. با نگاهی به کتاب‌های مربوط به برنامه‌ریزی درسی می‌یابیم که تعاریف زیادی درباره برنامه‌ریزی شده که بعضی از آن‌ها ناقص و بعضی نیز با اهداف بحث ما سازگار نیست. در یک تعریف چنین آمده است: تعیین و اتخاذ شیوه و روش‌هایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند. در تعریفی دیگر برنامه‌ریزی عبارت است از طرح تدابیری که بتوان به بهترین صورت از منابع موجود برای نیل به اهداف مطلوب استفاده کرد. به نظر می‌رسد مناسب‌ترین تعریفی که از برنامه‌ریزی می‌توان ارائه داد این است: پیش‌بینی خردمندانانه و تنظیم فعالیت‌ها و بررسی نیازمندی‌ها در مدت‌زمان معین بر اساس اولویت‌ها و متناسب با توان استعداد خاصی خود در راستای نیل به اهداف. در دهه‌های اخیر برنامه‌ریزی درسی در نظام آموزشی کشورهای گوناگون به‌عنوان رویکردی موفق شناخته شده است (راندسل، ۲۰۱۶).

بر این اساس، برنامه‌های درسی به‌عنوان نقشه یارنده‌ی یادگیری، دارای عناصر و مؤلفه‌های بسیاری از جمله یادگیرنده، یاد دهنده، هدف، روش، زمان، مکان، و فرآیندهای یارنده‌ی یادگیری می‌باشد. در این میان، فرآیند یادگیری با توجه به اهمیت آن همیشه مورد توجه صاحب‌نظران بوده و در این مورد اندیشمندان بسیاری به اظهارنظر، پژوهش و نظریه‌پردازی پیرامون آن پرداخته‌اند و بر اساس آن بسیاری از سؤالات را پاسخ داده‌اند. به طوری که می‌توان با صراحت در مورد اینکه یادگیری چیست؟ چگونه رخ می‌دهد و عوامل مؤثر بر آن کدام است؟ بحث و بررسی شود (خامنه و سیف، ۱۳۸۹).

به‌علاوه، نقش یادگیری در همه صحنه‌های زندگی نمایان است و بر اساس نظام تربیتی و آموزشی این نقش در مؤسسات رسمی همچون مدارس و دانشگاه‌ها به‌گونه‌ای بارزتر و ملموس‌تر می‌باشد. چراکه عمده یادگیری دانشجویان در کلاس درس و با دید وسیع‌تری در فضای نظام آموزشی شکل می‌گیرد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی، فرآیند انتقال و تبدیل تصورات عوامل و باورهای تربیتی در قالب برنامه‌هایی است که به‌طور مؤثر موجب تحقق تصورات موردنظر از طریق انجام این فرایند می‌گردد. آنچه برای ما ارزشمند است و به دنبال آن هستیم اغلب با تناقضات زیادی همراه هستند حتی «درون محیط آموزشی و تحصیلی». برنامه‌ریزی در بافت تربیتی فرآیندی است که به دنبال تحقق ناگفتنی‌های معینی است یکی از این گروه‌هایی که در این فرآیند درگیرند، معلمان می‌باشند. معلمان به‌ناچار با طیف وسیعی از گزینه‌هایی که می‌توانند در انتخاب، تأکید و زمان‌بندی رویدادهای برنامه درسی به کار بگیرند مواجه هستند تا زمانی که از آن‌ها انتظار می‌رود از کتاب‌های راهنمای خاصی که در آن‌ها فعالیت‌ها و محتوا از قبل مشخص شده است، پیروی نمایند، بازهم آنان در مورد چگونگی استفاده از مواد درسی مذکور و نیز شیوه‌های مورد استفاده دارای قدرت تأثیر و تصمیم هستند. البته این تصمیمات مربوط به برنامه درسی بوده و انواع فرصت‌های یادگیری و تجربه کردن کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (فولان، ۲۰۰۶).

منابع انسانی کلید توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آیند. هراندازه برنامه‌ریزی برای آموزش نظام‌دارتر باشد، بهره‌برداری از پتانسیل نیروی انسانی بهتر خواهد بود. بهره‌برداری درسی که تمهید و ابزاری برای تدوین نظام‌دار برنامه درسی است به متخصصان نظام آموزش و پرورش در پرورش نیروی انسانی کارآمد کمک می‌کند. برنامه‌های درسی نظام‌دار آموزش و پرورش به متصدیان کمک می‌کند تا بتوانند ضمن ارزشیابی و نظارت کافی به جریان اجرای برنامه‌های آموزشی، در حفظ، اصلاح و پرورش آن بکوشند. اثربخش‌ترین زمان در برنامه‌ریزی درسی وقتی است که نیازی برای برآوردن وجود دارد. روشن است که هر برنامه‌ریزی برای رفع نیازی صورت می‌گیرد. نیاز صورت‌های گوناگونی دارند. نیازهایی را که معلمان برای برآوردن آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند نیازهایی هستند که باید به‌صورت روزانه برآورده شوند. به سخن ساده‌تر و در قالب نیازهای مشخص، اهدافی در نظر گرفته می‌شود. همچنین در قالب کتاب‌های درسی اهدافی طرح شده است که دانش‌آموزان در هر جلسه یا در طی چند جلسه به برخی از آن‌ها دست می‌یابند و بدین ترتیب در پایان دوره درسی پاره‌ای از این نیازها برآورده می‌شود. برنامه‌ریزی درسی، شامل سازمان‌دهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به‌منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است (انت و همکاران، ۲۰۰۸).

به‌طور کلی برنامه‌ریزی درسی به آن حوزه علمی اشاره می‌کند که مشتمل بر قلمروهای زیر است:

۱- مبانی برنامه‌ریزی درسی: منظور از مبانی برنامه‌ریزی درسی آن دسته از نیروهای بنیادی و اساسی است که بر برنامه‌های درسی، اهداف و محتوای آن اثر گذاشته و در ادبیات برنامه‌ریزی درسی از آن تحت عنوان عوامل تعیین‌کننده برنامه درسی نام‌برده می‌شود.

الف) مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی: منظور از مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی آن دسته از عوامل و نیروهای فلسفی است که بر فرآیند تدوین اهداف برنامه درسی و تعیین وسایل و ملزومات اثر می‌گذارد. فلسفه مسلط اجتماعی در حقیقت جهت دهنده و تعیین کننده مقاصد اصلی تعلیم و تربیت است. فلسفه تعلیم و تربیت اعتقاد برنامه ریز به یکی از مکاتب فلسفی ذریبط، به‌شدت جهت‌گیری برنامه درسی را متفاوت می‌سازد. مبانی فلسفی، نقش پالایشگری اهداف و مقاصد برنامه درسی را نیز بر عهده دارد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ب) مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی درسی: فلسفه اصلی تأسیس مدارس و پاگیری نظام آموزش مدرسه‌ای در گسترده‌ترین برداشت خود عبارت است انتقال، توسعه و بهسازی میراث فرهنگی، بنابراین بدیهی است که ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه اثر قاطعی بر برنامه‌های درسی و فرایند تدوین آن‌ها داشته باشد. ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی نیز به‌عنوان پالایشگر اهداف و مقاصد برنامه درسی، نقش مهمی را در فرایند برنامه‌ریزی ایفا می‌نمایند و هم‌ازاین‌روست که مبانی اجتماعی و فرهنگی برنامه‌ریزی درسی یکی از قلمروهای مهم این رشته به شمار می‌رود.

ج) مبانی روان‌شناختی برنامه درسی: روانشناسی به‌عنوان یک‌رشته علمی، یافته‌ها و رهنمودهای بسیاری برای برنامه ریزان به ارمغان آورده است. در برنامه‌ریزی درسی، فرایند تدوین طرح و اجرای برنامه‌ها تا حد زیادی نیازمند کاربست یافته‌های روانشناسی است. اهداف و محتوای برنامه‌های درسی باید با توجه به میزان رشد ذهنی یادگیرندگان، مدت‌زمان لازم برای یادگیری و نیز با توجه به توانایی‌ها و محدودیت‌های افراد انسانی، متناسب با تفاوت‌های فردی و... استخراج و تنظیم گردند.

تأثیر برنامه‌ریزی درسی

برنامه‌ریزی درسی تأثیرات گسترده‌ای بر فرآیند آموزش و یادگیری دارد. برخی از تأثیرات مهم این نقش عبارتند از:

۱. افزایش کیفیت آموزش: با استفاده از برنامه‌ریزی درسی مناسب، معلمان می‌توانند بهبود کیفیت آموزش خود را تضمین کنند. این شامل انتخاب منابع آموزشی مناسب، تدریس مطابق با استانداردهای آموزشی، و ارزیابی منظم عملکرد دانش‌آموزان می‌شود.

۲. افزایش مشارکت دانش‌آموزان: برنامه‌ریزی درسی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا در فرآیند یادگیری خود مشارکت فعال داشته باشند. طراحی برنامه‌های آموزشی جذاب و متنوع، می‌تواند انگیزه و علاقه دانش‌آموزان را به یادگیری افزایش دهد.

۳. تسهیل فرآیند یادگیری: برنامه‌ریزی درسی کمک می‌کند تا فرآیند یادگیری سازمان‌دهی شده و منطقی باشد. این به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا مطالب را بهتر فهمیده و به یاد بیاورند.

۴. ارتقاء توانایی‌های معلمان: با استفاده از برنامه‌ریزی درسی، معلمان می‌توانند توانایی‌های خود را در زمینه طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی بهبود بخشیده و به عنوان یک مربی حرفه‌ای عمل کنند.

۵. افزایش پیگیری و ارزیابی: برنامه‌ریزی درسی به معلمان کمک می‌کند تا پیگیری و ارزیابی منظم عملکرد دانش‌آموزان را انجام دهند و در صورت نیاز، تغییرات لازم را در برنامه‌های آموزشی اعمال کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به طور کلی، برنامه‌ریزی درسی نقش بسزایی در بهبود کارآمدی و کارایی فرآیند آموزش و یادگیری دارد و می‌تواند بهبود قابل توجهی در عملکرد دانش‌آموزان و کارایی معلمان منجر شود.

ارزشیابی از برنامه درسی:

یکی از مهم‌ترین قلمروها برنامه درسی که به کار بررسی اثربخشی و کارایی برنامه درسی می‌پردازد، ارزشیابی برنامه درسی است. به‌طور کلی ارزشیابی در ارتباط با برنامه درسی در چهار مرحله یا وضعیت صورت می‌پذیرد.

۱- ارزشیابی قبل از برنامه‌ریزی یا نیازسنجی: این ارزشیابی عمدتاً برای سنجش محورهای اساسی برنامه درسی صورت می‌پذیرد و ناظر بر تعیین اهداف و مقاصد برنامه درسی از منابع مربوطه است.

۲- ارزشیابی تکوینی یا ارزشیابی در زمان طراحی، تدوین و ساخت برنامه درسی: بخش‌های مختلف برنامه موردبررسی و اشکالات و عدم تناسب احتمالی برنامه با محیط یادگیری و یادگیرندگان رفع می‌گردد.

۳- ارزشیابی پایانی: اثربخشی برنامه و میزان شکاف بین تأثیر پیش‌بینی‌شده و با آنچه عملاً اتفاق افتاده تصمیم‌گیری می‌شود و بر اساس آن در سیکل‌های بعدی برنامه‌ریزی، اصطلاحات لازم اعمال می‌گردد.

۴- ارزشیابی پیگیری: اثرات برنامه درسی در یک مقطع خاص بر نحوه فعالیت و توانایی یادگیرنده در برنامه‌های درسی مقاطع بعدی موردبررسی قرار می‌گیرد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۹).

برنامه‌ریزی درسی یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است و می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی بر عملکرد و پیشرفت تحصیلی آن‌ها داشته باشد. برخی از تأثیرات مهم برنامه‌ریزی درسی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان عبارت‌اند از:

۱. انطباق با نیازهای دانش‌آموزان: برنامه‌ریزی درسی مناسب، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا بهترین فرصت برای یادگیری مطالب مورد نیاز خود را داشته باشند و به شکل مناسب و سازمان‌دهی شده درس‌ها را پیگیری کنند.

۲. تعامل فعال دانش‌آموزان: برنامه‌ریزی درسی مناسب می‌تواند به دانش‌آموزان اجازه دهد تا به صورت فعال‌تر در فرآیند یادگیری شرکت کنند و از طریق تعامل با محتوای درسی، بهترین نتایج را بدست آورند.

۳. افزایش تمرکز و توجه: برنامه‌ریزی درسی منظم و سازمان‌دهی شده، به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا تمرکز و توجه بیشتری به مطالب درسی داشته باشند و از این طریق، پیشرفت تحصیلی خود را افزایش دهند.

۴. ارزیابی منظم: برنامه‌ریزی درسی مناسب شامل ارزیابی منظم و مستمر عملکرد دانش‌آموزان است که به آن‌ها کمک می‌کند تا خود را بهبود داده و به سمت پیشرفت تحصیلی حرکت کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵. انگیزه و اعتمادبه‌نفس: برنامه‌ریزی درسی مناسب، با ارائه چالش‌های مناسب و افزایش انگیزه و اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان، می‌تواند آن‌ها را به سوی پیشرفت تحصیلی ببرد.

بنابراین، برنامه‌ریزی درسی با تأثیرات مثبت خود می‌تواند بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را تسهیل کند و نقش مهم و حیاتی در فرآیند یادگیری آن‌ها داشته باشد.

یادگیری

یادگیری عبارتست از تغییر نسبتاً پایدار در احساس، تفکر و رفتار فرد که بر اساس تجربه ایجاد شده باشد. رفتارگرایی از قبیل جان واتسون و اسکینر سرشت انسان را انعطاف‌پذیر می‌دانستند، و معتقد بودند که در رشد، یادگیری نقش اصلی را ایفا می‌کند، چنان که آموزش اولیه می‌تواند صرف‌نظر از آنچه کودک از استعدادها، تمایلات، علاقه‌ها، توانایی‌ها، نژاد و اجداد به ارث برده، او را به هر نوع بزرگ‌سالی تبدیل کند. روانشناسی به یک علم رفتاری تبدیل شده است. هر آنچه را که ما در روانشناسی مطالعه می‌کنیم، باید از طریق رفتار قابل‌ارائه باشد. اما این بدان معنا نیست که رفتاری که ما ملاحظه می‌کنیم یادگیری است. فرایند یادگیری را نمی‌توان به‌طور مستقیم مطالعه کرد، بلکه ماهیت یادگیری را تنها از تغییرات رفتاری می‌توان استنباط کرد. درباره یادگیری باید اذعان نمود، یادگیری به‌طور کلی به دو بخش رسمی و غیررسمی تقسیم می‌شود؛ سافلومن و وبستر (۲۰۱۷) یادگیری رسمی را به سوار شدن در اتوبوس تشبیه کرده است. مسیری که از قبل به‌طور یکسان برنامه‌ریزی شده و اتوبوس در آن مسیر در حرکت است. یادگیری غیررسمی همانند دوچرخه‌سواری است که فرد دوچرخه‌سوار مسیر و سرعت حرکت خود را تعیین می‌کند. برخی از محققان معتقدند یادگیری غیررسمی، بدون ساختار، تجربی و غیرسازمانی است. تمام تحقیقات نشان می‌دهند بیشترین سهم یادگیری از روش غیررسمی حاصل می‌شود تا رسمی. زیرا در یادگیری غیررسمی، دستور کار، ساختار، توالی، برنامه یا کنترلی بر "ارائه‌دهندگان محتوا" وجود ندارد، بلکه یادگیری به شکل ساده و ناآگاهانه روی می‌دهد (چیف، ۲۰۰۵).

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که بیشترین سهم یادگیری از طریق یادگیری غیررسمی حاصل می‌شود، اما آنچه عملاً در حال وقوع است تمرکز و صرف هزینه بر روی یادگیری رسمی است و توجهی به این نوع یادگیری که بسیار مهم می‌باشد، نمی‌شود. دنیای کلاس درس با همه پیچیدگی‌ها و پویایی‌هایش گویای چنین امر مهمی است. برنامه درسی تجویز شده‌ای که توسط استاد در کلاس درس تدریس می‌شود، علاوه بر اینکه یادگیری‌های رسمی به دنبال دارد، مطمئناً یادگیری‌های غیررسمی نیز به ارمغان می‌آورد. یادگیری‌هایی که به‌صورت ناآگاهانه، غیررسمی، غیر عمدانه و غیر برنامه‌ریزی شده در محیط آموزش عالی رخ می‌دهند، برنامه درسی ضمنی‌ای است که می‌تواند دستاوردهای مثبت و منفی به دنبال داشته باشد و عموماً توسط افراد با اصطلاح برنامه درسی پنهان که در معنای دقیق آن مبتنی بر یک برداشت خاص نوارکسیستی است، اشتباه به‌کاربرده می‌شود. بررسی اصول یادگیری به ما کمک می‌کند تا علت‌های رفتارمان را بفهمیم. آگاهی از فرایند یادگیری نه تنها در فهم رفتار بهنجار و انطباقی به ما کمک می‌کند، بلکه امکان درک بیشتر شرایطی را که منجر به رفتار ناسازگار و نابهنجار می‌شود نیز به ما می‌دهد، در نتیجه روش‌های مؤثرتر روان‌درمانی را به وجود می‌آورد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ثابت شده است که علل بروز ناتوانی‌های یادگیری نسبتاً مبهم است برخی از مشکلات کنونی درباره مفهوم ناتوانی‌های یادگیری بازتابی است از ناتوانی ما در اشاره دقیق به علل بروز ناتوانی‌های یادگیری که شاهدش هستیم. روشن است که آگاهانه یا ناآگاهانه مسئله علل بروز ناتوانی‌های یادگیری را به فراموشی و بی‌توجهی می‌سپاریم برحسب درک ما از ناتوانی‌های یادگیری و نگرش اولیه حرفه‌ای ما (پزشکی، روان‌شناسی، تعلیم و تربیتی) نسبت به ناتوانی‌های یادگیری ممکن است ما به علل خاصی توجه پیدا کنیم تا آن‌که به رابطه علی دشواری بپردازیم. اما تجربه گذشته و عمل کنونی به ما ثابت می‌کند که ناتوانی‌های یادگیری مفهومی چندرشته‌ای است و پیوند میان کارشناسان رشته‌های گوناگون در این امر باید برقرار باشد. روش‌های کودک پروری نیز می‌توانند از اصول یادگیری بهره مند گردند. بدیهی است که افراد با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت‌های فردی را می‌توان بر حسب تجارب یادگیری متفاوت تبیین کرد. یکی از مهم‌ترین صفات انسان زبان است و بی‌تردید توانایی‌های ویژه تکلم به‌طور عمده از یادگیری حاصل می‌شوند. افزون بر این بین اصول یادگیری و روش‌های آموزشی رابطه نزدیکی وجود دارد.

برنامه درسی پنهان در معنای دقیق مبتنی بر یک برداشت خاص نوارکسیستی است که عمدتاً بر اهداف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متمرکز است. در این برنامه با استفاده از روش‌های تربیتی و شبه تربیت سعی در القای مشروعیت از طریق آموزش ارزشها و پرورش منش متناسب با نیازهای نظام می‌گردد. به عبارت دیگر، آنچه جکسون درباره برنامه درسی پنهان مطرح می‌نماید دستاوردهای ضمنی است که منطبق با معنای دقیق واژه برنامه درسی پنهان نیست. دستاوردهای موردنظر جکسون هنگامی برنامه درسی پنهان تلقی می‌شود که دقیقاً در منویات برنامه‌ریزان قبل از طراحی برنامه درسی وجود داشته باشند. چنین دستاوردهایی از لحاظ تربیتی اساساً نمی‌تواند مثبت باشد (سیلس و ریچلی، ۲۰۰۱).

روش

در این مطالعه مروری سیستماتیک فراتحلیل، جامعه آماری شامل کلیه مقالات در خصوص تأثیر برنامه‌ریزی درسی بر یادگیری بوده است که از سال ۲۰۰۵ تا پایان ۲۰۲۰ میلادی (۱۳۸۴-۱۳۹۹ شمسی) در ایران انجام پذیرفت. معیار ورود به این مطالعه شامل تمام مقالات مرتبط انجام شده در ایران، با متن کامل، به زبان فارسی یا انگلیسی و معیار خروج از مطالعه شامل مقالات انجام شده در سایر کشورها و مقالات ارائه‌شده در همایش‌ها و کنگره‌ها که فاقد متن کامل بوده و دسترسی به متن آن‌ها امکانپذیر نبود، بوده است.

در این بررسی مطالعات انجام شده در ایران از پایگاه‌های اطلاعاتی بین‌المللی Google scholar، Scopus، Pubmed، Direc، Iranmedex، IRAN doc، Mag iran، SID، Cochrane ملی استفاده از کلیدواژه‌های انگلیسی Reverse classroom، Motivation learning و معادل فارسی آن‌ها (برنامه‌ریزی درسی و یادگیری) با افزودن or یا and در عنوان و چکیده انجام گرفت. به دلیل اینکه کلیه مقالات یافته شده در زمینه تأثیر برنامه‌ریزی درسی بر یادگیری بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و فاقد ابزار و روش‌های نمونه‌گیری بودند، بنابراین از ابزار Jadad استفاده نشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بحث و نتیجه‌گیری

در نتیجه، برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک ابزار حیاتی و اساسی در فرآیند آموزش و یادگیری تأثیر بسزایی بر بهبود عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. با توجه به اهمیت این مفهوم، معلمان و مدارس نیاز دارند تا با روش‌ها و استراتژی‌های مناسب برای طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مؤثر و کارآمد آشنا شوند. همچنین، دانش‌آموزان نیز باید به‌دقت به برنامه‌های درسی خود توجه کنند و در فرآیند یادگیری خود مشارکت فعال داشته باشند. با رعایت این نکات و توصیه‌ها، می‌توان بهبود قابل‌توجهی در عملکرد تحصیلی و پیشرفت دانش‌آموزان را مشاهده کرد. بنابراین، برنامه‌ریزی درسی به‌عنوان یک ابزار اساسی و حیاتی در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری محسوب می‌شود و اهمیت آن برای تحصیلات و پروسه‌های آموزشی بسیار بالاست. جستجوی حقیقت و توسعه دانش، پرورش نیروی انسانی متخصص، افزایش درک بین‌المللی، پرورش مهارت استدلال و کنجکاوی افراد، پرورش توانایی برقراری ارتباط اجتماعی در افراد، پرورش متخصصان شایسته، تربیت معلمان و محققان آینده، پرورش مهارت‌های مناسب برای ایفای نقش در دنیای کار، کمک به افزایش سطح کیفی دوره‌های قبل از دانشگاه، رشد و پرورش توانایی فکری و هوشی افراد، پرورش مهارت‌های استدلال انتقادی، برخی از رسالت‌هایی است که آموزش عالی در جهت تحقق آن متناسب با پویایی‌ها و تحولات محیطی بایستی راهبردهایی اتخاذ نماید (بریولنگو، ۲۰۱۴). در این میان طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی بایستی به‌گونه‌ای باشد که با ایجاد محیط یادگیری پویا زمینه رشد و شکوفایی دانشجویان و شکل‌دهی به هویت واقعی آنان میسر گردد. چراکه برنامه‌های درسی یادگیری پویا و منعطف دانشجویان را با تعلیم و تربیت در ابعاد مختلف رسمی و غیررسمی ادغام می‌نماید (برنج، ۲۰۱۵).

در این میان نقش و اهمیت برنامه درسی ضمنی دوجندان می‌باشد، زیرا این نوع برنامه درسی کلیه دستاوردهای پیش‌بینی نشده‌ای را در برمی‌گیرد که به‌طور واقعی اما قصد نشده و غیررسمی در جریان آموزش حاصل می‌گردد. در واقع فراگیر در محیط آموزشی است که یاد می‌گیرد و محیط آموزشی با تمام خصوصیاتش، آن را آموزش می‌دهد. صرف‌نظر از اینکه مربیان تا چه اندازه متبحر و شایسته‌اند، یا برنامه درسی تا چه حد پیشرفت کرده است، فراگیر در معرض چیزی قرار می‌گیرند که هیچ‌گاه سخنی از آن در میان نبوده است. آن‌ها به‌مرور، رویکرد خاصی به زندگی و نگرش خاصی نسبت به تحصیل و یادگیری پیدا می‌کنند. با آگاهی نسبت به این مهم می‌توان با اتخاذ رویکردها یا راهبردهایی همچون توجه به نیازهای فراگیران، ایجاد علاقه و انگیزه در آنان، ارائه مطلوب محتوای آموزشی، توجه به کیفیت مکان و زمان آموزش، در دسترس بودن منابع، اخلاق حرفه‌ای و غیره محیط آموزشی باکیفیت و مطلوبی فراهم ساخت که همسو با اهداف و رسالت آموزش عالی زمینه‌ساز یادگیری‌های ضمنی مثبت در کنار آموزش‌های رسمی در دانشجویان گردد.



منابع

۱. خامنه، عطار؛ سیف، علیاکبر. (۱۳۸۹). تأثیر آموزش راهبردهای یادگیری مطالعه، فراشناختی بر انگیزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شهر تهران. پژوهشنامه مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره نهم.
۲. شریفی، حسن پاشا؛ اکبری، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). بررسی میزان تأثیر درس برنامه‌ریزی تحصیلی و شغلی در راهنمایی تحصیلی دانش‌آموزان. مجله تازهها و پژوهشهای مشاوره.
۳. Branch, W. T. (۲۰۱۵). Teaching professional and humanistic values: Suggestion for a practical and theoretical model. *Patient education and counseling*, ۹۸(۲), ۱۶۲-۱۶۷.
۴. Barrioluengo, S. M. (۲۰۱۴). Articulating the three-missions in Spanish universities. *Research Policy*, ۴۳, ۱۷۶۰-۱۷۷۳.
۵. Chief, I. (۲۰۰۵). An Evaluation of Curriculum Implementation in Primary Schools ۲۰۰۵ Department of Education and Science, ۷(۸), ۱۹۷-۱۲۰۱. ISBN ۰-۷۵۵۷-۱۳۷۲-۹.
۶. Ennet, S.T., Tobler, N. S., Ringwalt, C. L., Flewelling, R.L. (۲۰۰۸). How effective is drug abuseresistanceeducation? A Meta-Analysis of project DARE outcome.
۷. Fullan, M. G. (۲۰۰۶). *Successful School Improvement: The Implementation Perspective and Beyond*. Milton Keynes: Open University Press.
۸. Ransdell, S. (۲۰۰۶). Predicting College Success: The Importance Of Ability And Non-Cognitive Variables. *International Journal of Educational. Research*, ۳۵, ۳۵۷-۳۶۴.